

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه چهل و هشتم ۱۵/۱۰/۹۸

موضوع: مصدر تشریح معارف دین؛ صحابه یا اهل بیت (۲۳) - بررسی مصداق اهل بیت در آیه تطهیر، از دیدگاه

صحابه

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة
على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

پرسش:

نظر حضرتعالی پیرامون وقایع اخیر و شهادت «سردار سلیمانی» چیست؟

پاسخ:

من معتقدم قطعاً خدای عالم می‌خواهد کارهای بزرگی در جهان اسلام رقم بخورد؛ کار بزرگ هم احتیاج به یک
بهای بزرگی دارد، و در آن هیچ شکی نیست. «بنی امیه» می‌خواستند اسلام را از بین ببرند، برای نابودی «بنی
امیه» یک کار کوچک امکان‌پذیر نبود، باید یک کار بزرگی انجام می‌شد، مثل قضیه سید الشهداء (سلام الله
علیه)؛ تا این نابودی بنی امیه رقم نخورد. لذا من بر این عقیده هستم که قطعاً کارهای خوب و اتفاق بزرگی
می‌خواهد انجام بشود؛ حال این که چه است، ما نمی‌دانیم.

در مجموع، این اتفاق، خیلی دردآور بود؛ من بعد از نماز صبح، همین که موبایل را باز کردم تا به فضای مجازی
بروم، خبری در رابطه با شهادت «ابو مهدی» دیدم، بعضی‌ها گفتند تکذیب شده ولی بعد دیدم «کانال قدس»
که ما هم آن‌جا عضو هستیم، قضیه شهادت «سردار سلیمانی» را اعلام کردند. من با دیدن این خبر شوکه شدم،
سه چهار ساعت کنترل خودم را از دست داده بودم!

به قولی می‌گویند «الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ»؛ البته به قول حاج آقای «خزعلی» بعضی وقت‌ها «الشَّرُّ فِي مَا وَقَعَ»!!

آن‌ها به آرزوی‌شان رسیدند! در همین قضیه اخیر که «مقام معظم رهبری» درجه «سردار سلیمانی» را داد، یکی از آخرین دعاهايش این بود که خدا شهادت را نصیب شما بکند و آخر عمر شما، با شهادت ختم بشود! حتی ایشان دو، سه ماه قبل از ورود به بیت آقا به یک انگشتر فروشی رفت و گفت: یک انگشتری به من بده که شهید بشوم. انگشتر فروش گفت: من همچین انگشتری ندارم که به تو بدهم! خلاصه یک انگشتر گرفت و همان انگشتری بود که در دستش بود.

آن‌ها یک آرزوی داشتند امیدوارم که ان شاء الله خدای عالم این سعادت را برای همه ما نصیب بکند. این توفیق، چیزی نیست که به هر کس بدهند. من دو سه باری که عیدغدير در حرم حضرت رضا بودم، خدمت امام رضا عرض کردم - اگر قبول بشود - عیدی که می‌خواهید به ما بدهید، شهادت در راه دفاع از جدتان را نصیب ما کنید!

حال بدهند یا ندهند نمی‌دانیم. همیشه خوب‌ها را انتخاب می‌کنند و هر کس را به این قضایا راه نمی‌دهند. آن روز یکی از سلبریتی‌ها تسلیتی گفته بود که شعر خیلی زیبایی بود و از این انتخابش خیلی خوشم آمد که:
خلد گر به پا خاری آسان در آرم / چه سازم به خاری که بر دل نشیند.

ظاهراً شعر برای «عبدالباقی طبیب اصفهانی» است. البته شعر مفصل است که می‌گوید:

پی ناقه‌اش رفتم آهسته، ترسم / مبادا غباری به محمل نشیند.

تا آن‌جای که می‌گوید:

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی / ز بامی که برخاست مشکل نشیند

به‌نازم به بزم محبت که آنجا / گدایی به شاهی مقابل نشیند.

به تعبیر «مقام معظم رهبری» که شهدا روح او را به آغوش گرفتند؛ ولی الان همه برای گرفتن انتقام، لحظه شماری می‌کنند و «آمریکا» فعلاً در مُحاق رفته است! حتی روز اول هم گفته شما چه کار می‌خواهید بکنید؟ یک انتقامی بگیرید که متناسب با کار ما باشد!! یعنی خیلی وحشت به جان‌شان افتاده است!!

من معتقدم اگر تمام مردم «آمریکا» را بخواهند بکشند، تمام این ۵۱ ایالت را ویران کنند، قطره خون «سلیمانی» نمی‌شود. شاید این مقدمه‌ای باشد که این شیطان بزرگ برای همیشه از کل «خاورمیانه» شرش برچیده بشود.

پریروز بود دیدم آقای «مجتهدزاده» در شبکه «بی بی سی» داشت با آن خانم مجری جدل می‌کرد و کاملاً او را منزوی کرد و کنار گذاشت! مجری می‌گفت: «ایران» چنین و چنان کرده، «پهپاد آمریکا» را زده. این آقای کارشناس گفت: «پهپاد» به آسمان «ایران» تجاوز کرده «ایران» هم زده!

من خیلی از حرفهایش خوشم آمد. بعضی‌ها با این که خیلی انقلابی نیستند، ولی غیرت ایرانی‌شان خوب به جوش آمده. در فضای مجازی خیلی از فراری‌های از ایران، به زیبایی موضع گرفتند.

در مقابل، برخی افراد نادان داخلی که می‌خواستند «سردار سلیمانی» را دست بسته تحویل بدهند رسوا شدند؛ شما ببینید «مقام معظم رهبری» بعد از قضیه «صیاد شیرازی» در هیچ یک از جلسات «شورای عالی امنیت ملی» شرکت نکرده بود، یعنی بیش از ۲۰ سال است؛ ولی روز جمعه، شخصاً در این جلسه شرکت کردند!

این حضور، خودش پیام داشت که اگر ریاست این جلسه به عهده آقای «روحانی» باشد تصمیم مقتضی گرفته خواهد شد! این خودش یک پیام بود. از این بهتر؟ این که چه بشود، الله اعلم! ولی همان طوری که «مقام معظم رهبری» فرمودند، انتقام سختی گرفته خواهد شد، و این را همه دارند لحظه شماری می‌کنند.

حتی «ترامپ» که داشت مصاحبه می‌کرد، لرزان بود و کاملاً مشخص بود که خودش را باخته؛ یعنی يك خربزه‌ای خورده که بدجوری زمین خورده است. قضیه استیضاحش را هم این مسئله داغ‌ترش کرد، این داشت یک کاری انجام می‌داد که بتواند کار استیضاحش را جبران کند و هم در انتخابات ۲۰۲۰ بتواند موفق بشود، ولی قضیه کاملاً بر عکس شد!!

الان همه دولتمردان «آمریکا» مذمتش می‌کنند، حتی «پنتاگون» چند تا بیانیه داد که ما نبودیم، او به ما دستور داد. یعنی تا این اندازه جرأت ندارند بگویند که ما هم در این قضیه دخیل بودیم!!

پرسش:

سوال دختر سردار از آقای «روحانی» خیلی جالب بود، که گفت: آقای «روحانی» چه کسی می‌خواهد انتقام خون پدرم را بگیرد؟ شما که می‌خواستید پدرم را تحویل بدهید، شما می‌خواهید انتقام بگیرید؟

پاسخ:

اصلاً نتیجه «اف ای تی اف» همین بود که این آقایان تمام کسانی که «آمریکا» آن‌ها را به عنوان تروریست معرفی کرده، معرفی کنند و تحویل بدهند. اولین کارش همین بود.

الان آن‌که خیلی برای من مهم است این است که بدانیم آیا مسئله رفتن سردار سلیمانی به عراق، یک مسئله طبیعی بود و در یک قضیه طبیعی آمریکائی‌ها آمدند و زدند؟ یا نه؛ قضیه طبیعی نبود، یک سری عواملی دست به دست هم داد و رفتن ایشان را به «عراق» گزارش داد؟ کسانی که در هواپیما از خدمه و غیره بودند، دارند بازجویی می‌کنند که ببینند چه مسئله‌ای پیش می‌آید.

منطقه ای که «سردار سلیمانی» از آنجا برخواسته تا به مقصد رسیده کاملاً تحت نظر بوده. سردار از «لبنان» به «سوریه» رفت و از «سوریه» به «عراق» رفت! ظاهر قضیه این است که مسافرت ایشان به عراق، یک مسافرت رسمی بنا به دعوت دولت «عراق» بوده!

البته این هم عنایت خدا است. زیرا اگر سردار را در «سوریه» می زدند یا «داعش» شهید می کرد، خیلی مسئله نبود، می گفتند ایشان آنجا رفته چند تا «داعشی» کشته و «داعشی» ها هم او را کشتند. یا «آمریکای» ها هم اگر می کشتند می گفتند: این جا برای کارهای تروریستی آمده، ما هم او را کشتیم؛ ولی این که به دعوت یک دولت، یک مسافرت کاملاً رسمی برود و این قضیه اتفاق بیافتد، مسئله فرق می کند.

این ها همه چیز دست شان است و راحت می توانند با امکاناتشان و ماهوراهایی که دارند کاملاً کنترل کنند و شک و شبهه ای در آن نیست؛ ولی شاخ «آمریکا» با این کار، برای همیشه شکسته شد.

باید منتظر باشیم تا ببینیم برخورد نیروهای خودمان چه است؟ غیر از این که ما منتظر بمانیم و ببینیم به چه صورت انتقام می خواهند بگیرند، کار دیگری نمی توانیم انجام بدهیم و آن کار تکلیف را روشن می کند.

آغاز بحث...

ما در رابطه با بحث مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم السلام)، بحث حدیث «ثقلین» را مطرح کردیم؛ بحث «حدیث سفینه» و «حدیث خلیفتین» را هم مطرح کردیم؛ به این جا رسیدیم که مراد از اهل بیت چه کسانی هستند؟ آیا مصداقی برای اهل بیت معین شده یا نشده؟

عرض کردیم در «صحیح مسلم» به صراحت این قضیه آمده که رسول اکرم، صبحگاهی از منزل شان بیرون آمدند در حالیکه:

«وَعَلَيْهِ مَرْطٌ مُرَحَّلٌ»

«مرط» همان عبائی است که از پشم گوسفند یا بز درست می‌شود. «مرحل» یعنی بر دوشش کشیده بود.

«من شَعْرٍ أَسْوَدَ فَجَاءَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ فَأَدْخَلَهُ ثُمَّ جَاءَ الْحُسَيْنُ فَدَخَلَ مَعَهُ ثُمَّ جَاءَتْ فَاطِمَةُ فَأَدْخَلَهَا ثُمَّ

جاء عليٌّ فَأَدْخَلَهُ»

وقتی امام حسن، امام حسین، حضرت صدیقه و حضرت امیر آمدند! حضرت فرمود:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)

صحیح مسلم؛ اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۴، ص ۱۸۸۳، ح ۲۴۲۴

موضوع دوم، مصداق اهل بیت از دیدگاه صحابه است. عزیزان خوب دقت کنند، کتاب «الأربعين» از کتاب‌های مهم آقای «ابن عساکر» است که نکاتی قشنگی در این جا دارد. از «ابو سعید خدری» او از «ام سلمه» نقل می‌کند که:

«نزلت هذه الآية في بيتي (إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا)»

بعد از این که این آیه نازل شد:

«قلت يا رسول الله أأنت من أهل البيت؟»

آیا من جزو اهل بیت نیستم؟

فرمود:

« إنك إلى خير إنك من أزواج رسول الله »

این به صراحت نشان می‌دهد بر این‌که «ام سلمه» که بعد از حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نزدیک‌ترین امهات المؤمنین به نبی مکرم است، از اهل بیت نیست و فقط از أزواج رسول الله شمرده شده است!

بعد فرمود:

«وأهل البيت رسول الله وعلي وفاطمة والحسن والحسين رضي الله عنهم أجمعين»

از این واضح‌تر و روشن‌تر بگوید؟ آقای «ابن عساکر» در ادامه می‌گوید:

«هذا حديث صحيح»

الأربعين في مناقب أمهات المؤمنین رحمة الله علیهن أجمعین؛ اسم المؤلف: أبو منصور عبد الرحمن بن محمد بن هبة الله بن عساکر الوفاة: ٦٢٠، دار النشر: دار الفكر - دمشق - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقیق: محمد مطیع الحافظ، غزوة بدر، ج ١، ص ١٠٥

باز خود آقای «ابن عساکر» در ادامه می‌گوید:

«والآية نزلت خاصة في هؤلاء المذكورين»

الأربعين في مناقب أمهات المؤمنین رحمة الله علیهن أجمعین؛ اسم المؤلف: أبو منصور عبد الرحمن بن محمد بن هبة الله بن عساکر الوفاة: ٦٢٠، دار النشر: دار الفكر - دمشق - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقیق: محمد مطیع الحافظ، غزوة بدر، ج ١، ص ١٠٦

این عبارت خیلی واضح و روشن است و یک تو دهانی محکمی است برای آن‌هایی که می‌گویند «ازواج النبی» هم جزء اهل بیت هستند.

«ابو حیان اندلسی» در «تفسیر بحر المحيط» جلد ٧، صفحه ٢٢٤ از «ابو سعید خدری» نقل می‌کند و

می‌گوید:

«هو خاص برسول الله وعلي وفاطمة والحسن والحسين وروي نحوه عن أنس و عائشة و أم سلمة»

تفسير البحر المحیط؛ اسم المؤلف: محمد بن يوسف الشهير بأبي حيان الأندلسي الوفاة: ٧٤٥هـ، دار النشر: دار
الكتب العلمية - لبنان/ بيروت - ١٤٢٢هـ - ٢٠٠١م، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود -
الشيخ علي محمد معوض، شارك في التحقيق (١) د. زكريا عبد المجيد النوقي (٢) د. أحمد النجولي الجمل، ج ٧،
ص ٢٢٤

پس «ابو سعید خدری»، «انس»، «عایشه»، «ام السلمه»؛ این چهار نفر می‌گویند این آیه خاص به این پنج
بزرگوار است و بس!

«ماوردی شافعی» که از فقهای بزرگ و از متکلمین بنام اهل سنت است در کتاب «النکت والعیون» جلد ٤،
صفحه ٤٠١ می‌گوید چند تا قول است:

«أحدها: أنه عن علياً وفاطمة والحسن والحسين رضي الله عنهم»

چه کسی گفته؟

«قاله أبو سعید الخدری و أنس بن مالك و عائشة و أم سلمة رضي الله عنهم»

در ادامه دارد:

«أنه عن أزواج النبي خاصة»

چه کسی گفته؟

«قاله ابن عباس و عكرمة»

النكت والعيون (تفسير الماوردي)؛ اسم المؤلف: أبو الحسن علي بن محمد بن حبيب الماوردي البصري الوفاة: ٤٥٠هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - لا يوجد، الطبعة: لا يوجد، تحقيق: السيد ابن عبد المقصود

بن عبد الرحيم، ج٤، ص٤٠١

ما جواب جداگانه ای برای این‌ها خواهیم داشت. «ابو محمد مکی» هم در کتاب «الهدایه الی بلوغ النهایه» می‌گوید:

«عنی باهل البیت هنا النبی وعلی وفاطمة والحسن والحسین رواه الخدري ابوسعید نزلت الآیة فی خمس فی وعلی وحسن وحسین وفاطمة وهو قول جماعة من الصحابة»

الهدایة الی بلوغ النهایة؛ المؤلف: أبو محمد مکی بن أبي طالب حَمّوش بن محمد بن مختار القيسي القيرواني ثم الأندلسي القرطبي المالكي (المتوفى: ٤٣٧هـ)؛ المحقق: مجموعة رسائل جامعة بكلية الدراسات العليا والبحث العلمي جامعة الشارقة، بإشراف أ. د: الشاهد البوشيخي؛ الناشر: مجموعة بحوث الكتاب والسنة - كلية الشريعة والدراسات الإسلامية - جامعة الشارقة؛ الطبعة: الأولى، ١٤٢٩ هـ، ٢٠٠٨ م؛ ج ٩، ص ٥٨٣٤

در ادامه دارد:

«قال عكرمة عنی بذلك ازواج النبی»

جواب این را هم خواهیم داد. پس نبی مکرم به صراحت می‌گوید: «نزلت الآیة فی وعلی وحسن وحسین وفاطمة»

باز «تفسیر بغوی» که قبلاً هم گفتیم یکی از تفاسیر مورد تأیید اهل سنت است و «وهابی»ها نسبت به «تفسیر بغوی» تا حدودی ارادت دارند. ایشان می‌گویند:

«وذهب أبو سعيد الخدري وجماعة من التابعين منهم مجاهد وقتادة وغيرهما إلى انهم علي وفاطمة
والحسن والحسين»

تفسير البغوي؛ اسم المؤلف: البغوي الوفاة: ٥١٦، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: خالد عبد الرحمن العك،
ج ٣، ص ٥٢٩

«ابن جوزي» در کتاب «كشف المشكل من حديث الصحيحين» هم می گوید:

«نساء النبي، قاله ابن عباس وعكرمة»

می گوید: «ابن عباس» و «عكرمه» گفته که البته قول «ابن عباس» از «عكرمه» نقل شده است. بعد می گوید:

«والثاني: رسول الله وعلي وفاطمة والحسن والحسين. قاله أنس وعائشة وأم سلمة»

كشف المشكل من حديث الصحيحين؛ اسم المؤلف: أبو الفرج عبد الرحمن ابن الجوزي الوفاة: ٥٩٧هـ، دار النشر:
دار الوطن - الرياض - ١٤١٨هـ - ١٩٩٧م، تحقيق: علي حسين البواب، ج ٤، ص ٤١٨

باز مصداق اهل بیت از دیدگاه علمای اهل سنت را داریم. «ابن عساکر» را خواندیم که عبارتش این بود که:
«والآية نزلت خاصة في هؤلاء المذكورين»؛ آن روایتش بود، این رأیش بود.

«ابو المحاسن حنفي» در «المعتصر من المختصر» می گوید:

«والكلام لخطاب أزواج النبي صلى الله عليه وسلم تم عند قوله: {وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ} وقوله
تعالى: {إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ} استئناف تشريعا لأهل البيت وترفيعا لمقدارهم
ألا ترى أنه جاء على خطاب المذكر»

المعتصر من المختصر من مشكل الآثار؛ المؤلف: يوسف بن موسى بن محمد، أبو المحاسن جمال الدين المَلْطِي
الحنفي (المتوفى: ٨٠٣هـ)؛ الناشر: عالم الكتب - بيروت؛ ج ٢، ص ٢٦٧

اگر دقت کنید از اول آیه ۳۱ همه ضمائر مؤنث است:

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ، وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ)

ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید. و نماز را برپا دارید.

سوره احزاب (۳۳): آیات ۳۲ و ۳۳

... تا به آیه ۳۳ می‌رسد می‌فرماید:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ)

ایشان هم می‌گویند:

فقال عنكم ولم يقل عنكن فلا حجة لأحد في إدخال الأزواج في هذه الآية يدل عليه ما روي أن رسول الله كان إذا أصبح أتى باب فاطمة فقال: "السلام عليكم أهل البيت {إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا}"

المعتصر من المختصر من مشكل الآثار؛ المؤلف: يوسف بن موسى بن محمد، أبو المحاسن جمال الدين المَلْطِي

الحنفي (المتوفى: ۸۰۳هـ)؛ الناشر: عالم الكتب - بيروت؛ ج ۲، ص ۲۶۷

در بعضی جاها تا ۶ ماه دارد و در بعضی جاها تا ۹ ماه دارد که پیامبر اکرم هر روز بعد یا قبل از نماز صبح کنار خانه فاطمه می‌آمد و می‌فرمود: «السلام عليكم أهل البيت {إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا}»؛ و حال آن‌که یک روایت ضعیف موضوع هم ندارد که رسول اکرم، در خانه یکی از ازواجش این آیه را خوانده باشد.

«ابوبکر آجری» از علمای بزرگ اهل سنت است، از اعیان قرن ۴ است متوفای ۳۶۰ هجری و با «طبرانی» در یک سال از دنیا رفته است. ایشان بعد از این که اقوال را می آورد نظر خودش را می گوید:

« إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا وهم علي وفاطمة والحسن والحسين رضي الله عنهم»

الشريعة؛ اسم المؤلف: أبي بكر محمد بن الحسين الأجرى الوفاة: ۳۶۰هـ ، دار النشر: دار الوطن - الرياض / السعودية - ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م، الطبعة: الثانية، تحقيق: الدكتور عبد الله بن عمر بن سليمان الدميحي، الشريعة، ج ۵، ص ۲۲۰۰

در ادامه می گوید:

«هم الأربعة الذين حووا جميع الشرف، وهم علي بن أبي طالب وفاطمة والحسن والحسين رضي الله عنهم»

الشريعة؛ اسم المؤلف: أبي بكر محمد بن الحسين الأجرى الوفاة: ۳۶۰هـ ، دار النشر: دار الوطن - الرياض / السعودية - ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م، الطبعة: الثانية، تحقيق: الدكتور عبد الله بن عمر بن سليمان الدميحي، الشريعة، ج ۵، ص ۲۲۰۵

«آلوسی» تعبیر زیبایی دارد در جلد ۲۲، صفحه ۱۴ می گوید:

«وأخبار إدخاله عليا وفاطمة وإبنيهما رضي الله تعالى عنهم تحت الكساء وقوله عليه الصلاة والسلام اللهم هؤلاء أهل بيتي ودعائه لهم وعدم إدخال أم سلمة أكثر من أن تحصى وهي مخصصة لعموم أهل البيت بأي معنى كان البيت ولا يدخل فيهم أزواجه»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد

محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ١٢٧٠هـ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ٢٢، ص ١٤

آلوسی می گوید: «بیت» به هر معنای می‌خواهد باشد، شامل زن‌ها و اقوام بشود یا نشود، این روایات فراتر از شمارش است و عموم اهل البیت را بای معنی کان تخصیص می‌دهد! تا آن جایی که می‌گوید:

«أن النساء المطهرات غير داخلات في أهل البيت الذين هم أحد الثقلين لأن عترة الرجل كما في

الصحاح نسله و رهطه الأدنون»

مراد از اهل البیت، نسل انسان و بستگان نزدیک انسان است.

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد

محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ١٢٧٠هـ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ٢٢، ص ١٦

ایشان خیلی تعبیر زیبایی دارد.

همچنین «حکم نیشابوری» در «مستدرک» همین عبارت را می‌آورد و می‌گوید:

«هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه وقد صحت الرواية على شرط الشيخين أنه علمهم الصلاة على

أهل بيته كما علمهم الصلاة على آله»

یعنی «آل» با «اهل البیت» یکی است. آن آقای گمراه «مشهدی» می‌گوید ابوبکر و عمر هم آل پیغمبر هستند

از کجا این را آورده ان شاء الله وقتی آن طرف رفت خواهد دید که قضیه چه است؟

بعد می‌گوید این روایات را:

«وإنما خرجته ليعلم المستفيد أن أهل البيت والآل جميعا هم»

اهل بيت و آل پیغمبر همین‌ها هستند غیر از این‌ها نیستند!

المستدرك على الصحيحين، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة: ٤٠٥ هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص ١٥٩ و ١٦٠، ح ٤٧٠٩ و ٤٧١٠

«طحاوی» از بزرگان اهل سنت است و کتاب‌های زیادی داد و بعضی از کتاب‌هایش، کتاب‌های درسی حوزه‌های علمیه اهل سنت است. ایشان در «شرح مشکل الآثار» می‌گوید:

«وَأَنَّ الْمُرَادِينَ بِمَا فِيهَا هُمْ رَسُولُ اللَّهِ»

دقت کنید این نظر خودش است، روایت نیست. ما روایت‌ها را جدا کردیم، آرای علما را هم جدا کردیم. ایشان می‌گوید مرا از اهل البيت:

«رسول الله وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَحَسَنٌ وَحُسَيْنٌ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دُونَ مَنْ سِوَاهُمْ»

شرح مشکل الآثار؛ اسم المؤلف: أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة الطحاوي الوفاة: ٣٢١ هـ، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان / بيروت - ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٧ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، ج ٢، ص ٢٤٥

هم اثبات می‌کند و هم غیر این‌ها را نفی می‌کند. آقای «مقريزی» در «امتاع الأسماع» جلد ٥، صفحه ٣٨٨ می‌گوید:

« فلأن الأمة اتفقت على أن لفظ أهل البيت إذا أطلق إنما ينصرف إلى من ذكرناه دون النساء، ولو لم يكن إلا شهرته فيهم كفى»

می گوید: همین که شهرت دارد که اهل بیت جزء نسل یک نفر هستند، همین کفایت می کند.

«وإذا ثبت بما ذكرناه من النص والإجماع أن أهل البيت علي زوجته وولده، فما استدلتتم به من سياق

الآية ونظمه على خلافه لا يعارضه»

إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع؛ المؤلف: أحمد بن علي بن عبد القادر، أبو العباس

الحسيني العبيدي، تقي الدين المقرئ (المتوفى: ٨٤٥هـ)؛ المحقق: محمد عبد الحميد النميسي؛ الناشر: دار

الكتب العلمية، بيروت؛ الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م؛ ج ٥، ص ٣٨٨

ایشان می گوید: این که می گویند سیاق آیه دلالت می کند که این هم از زنان پیغمبر است این نمی تواند در این جا مقاومت کند. این دومین مسئله است.

سومین بحث وهو المهم: «اهل البيت ادري بما في البيت!» ما روایات متعددی داریم؛ یکی از آن ها روایت مهمی است که امیرالمؤمنین در زمان خلافت عثمان، در «مسجد النبی» در جمع ۲۰۰ نفر از صحابه این سخنرانی را کرده است.

من به دوستان توصیه می کنم این روایت را قدر بدانند. اگر ما در مصادر شیعه نداشتیم، جز این یک روایت را در حد امامت اهل بیت، نص بر امامت و نزول آیات متعدد در شأن اهل بیت، همین یک روایت کافی است.

یعنی شما هر چه می خواهید در این روایت هست؛ «آیه تطهیر»، «آیه اولو الامر»، «انما ولیکم الله»، «الیوم اکملت لکم»، و «بلغ ما انزل الیک» هست؛ یعنی ما مِنْ آیه که ما نیاز داریم امروز استدلال بکنیم، آقا امیرالمؤمنین - فدایش بشوم - آن هم در جمع ۲۰۰ نفر از صحابه بیان فرموده و یک نفر از این صحابه هم نتوانست اعتراض بکند.

روایت خیلی مفصل است. دوستان توجه کنند، روایت در کتاب «کمال الدین» است:

«رَأَيْتُ عَلِيًّا فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ فِي خِلَافَةِ عُمَانَ وَ جَمَاعَةً يَتَحَدَّثُونَ وَ يَتَذَكَّرُونَ الْعِلْمَ وَ الْفِقْهَ»

بعد می گوید:

«فَذَكَرْنَا قُرَيْشًا وَ شَرَفَهَا وَ فَضْلَهَا وَ سَوَابِقَهَا وَ هِجْرَتَهَا وَ مَا قَالَ فِيهَا رَسُولُ اللَّهِ... وَ ذَكَرُوا الْأَنْصَارَ وَ فَضْلَهَا

وَ سَوَابِقَهَا وَ نُصْرَتَهَا»

می گوید:

«وَ فِي الْخَلْفَةِ أَكْثَرُ مِنْ مِائَتِي رَجُلٍ فَمِنْهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ وَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ

عَوْفٍ وَ طَلْحَةُ وَ الزُّبَيْرُ...»

نام های اینها را آورده. که اینها جزء شورای خمسه بودند.

«وَ عَمَّارٌ وَ الْمُقْدَادُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ هَاشِمٌ بْنُ عُثْبَةَ وَ ابْنُ عَمْرٍ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع وَ ابْنُ عَبَّاسٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ

أَبِي بَكْرٍ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ وَ مِنَ الْأَنْصَارِ أَبِي بْنُ كَعْبٍ وَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ وَ أَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيُّ وَ أَبُو الْهَيْثَمِ...»

وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع سَاكِتٌ لَا يَنْطِقُ لَا هُوَ وَ لَا أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ فَأَقْبَلَ الْقَوْمُ عَلَيْهِ فَقَالُوا يَا أَبَا

الْحَسَنِ مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَتَكَلَّمَ فَقَالَ مَا مِنَ الْحَيِّينَ إِلَّا وَ قَدْ ذَكَرَ فَضْلًا وَ قَالَ حَقًّا»

«مَا مِنَ الْحَيِّينَ»، یعنی «انصار و مهاجرین»! بعد می گوید:

«وَ أَنَا أَسْأَلُكُمْ يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ وَ الْأَنْصَارِ بِمَنْ أَعْطَاكُمْ اللَّهُ عِزًّا وَ جَلًّا هَذَا الْفَضْلَ»

امیرالمؤمنین آمد ریشه را زد. شما این فضائلی که شمردید، «انصار» این فضائل را دارد و «مهاجرین» و ... این

فضائل را دارند، این فضائل از کجا آمده؟

«أَبَانْفُسِكُمْ وَ عَشَائِرِكُمْ وَ أَهْلَ بِيُوتَاتِكُمْ أَوْ بَغَيْرِكُمْ؟ قَالُوا بَلْ أَعْطَانَا اللَّهُ وَ مَنْ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ وَ عَشِيرَتِهِ لَا بِأَنْفُسِنَا وَ عَشَائِرِنَا وَ لَا بِأَهْلِ بِيُوتَاتِنَا»

بعد حضرت فرمود راست گفتید:

«صَدَقْتُمْ يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ وَ الْأَنْصَارِ أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي»

تا آن جایی که حضرت می فرماید:

«فَأَنْشُدْكُمْ اللَّهُ أ تَعْلَمُونَ حَيْثُ نَزَلَتْ وَ السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ سُئِلَ عَنْهَا رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ أَنْزَلَهَا اللَّهُ تَعَالَى فِي الْأَنْبِيَاءِ وَ أَوْصِيَاءِهِمْ فَأَنَا أَفْضَلُ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ صِيبِيِّ أَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ فَأَنْشُدْكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أ تَعْلَمُونَ حَيْثُ نَزَلَتْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَ حَيْثُ نَزَلَتْ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ وَ حَيْثُ نَزَلَتْ وَ لَمْ يَخْذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَا رَسُولِهِ وَ لَا الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيَجْزِيَ...»

کمال الدین و تمام النعمة؛ ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: اسلامیه، ج ۱، ص ۲۷۴، باب ما روي عن النبي (صلى الله عليه واله وسلم) في النص على القائم (عليه السلام) و أنه الثاني عشر من

الأئمة (عليهم السلام)، ح ۲۵

آقای «عابدینی» در کتابش این عبارات را آورده بود ولی این جا را که سبز کرده بودیم «إنما وليكم» را نیاورده بود! جالب هم این است می گوید آقای «قزوینی» به من افترا زده من عین آن چه که در کتاب «نور الثقلین» بود آوردم. گفتیم: کسی که الفبای تحقیق را بلد باشد نمی آید کتابی که در قرن ۱۱ و ۱۲ تألیف شده را مدرک قرار بدهد و کتابی که برای قرن ۳ و ۴ است فراموش کند!!

من یک مطلبی نوشتم که شاید امروز یا فردا منتشر شود، در آنجا گفتم: اگر ایشان همین «نور الثقلین» را هم خوب نگاه می‌کرد، چند صفحه قبل، «حویزی» این روایت از «کمال الدین» در جلد ۱ آورده در جلد ۲ هم باز آورده؛ یعنی در جلد ۱ و ۲ سه مرتبه این روایت را آورده، دو مرتبه کامل آورده یک مرتبه هم ناقص آورده، شاید ناقصش را هم استنساخی‌ها باعث شده اند. ما کاری با آن نداریم اصلاً سه تایش را هم نیاورده باشد.

یک عاقل وقتی بخواهد کار علمی بکند باید تماش تلاشش را برای به دست آوردن مطلب انجام بدهد. ما در بحث اجتهاد گفتیم «استفراغ الوسع»؛ این را همه معنا کردند؛ شیعه، سنی؛ «علامه حلی»، «شیخ طوسی»، مرحوم «صاحب جواهر»، «امام»، آقای «خوی» (رضوان الله علیه) همه گفتند: «استفراغ الوسع» یعنی به کار بردن تمام تلاش برای به دست آوردن مدرک، برای حکم شرعی؛ به طوری که خودش را بعداً ملامت نکند.

این را عزیزان داشته باشند که «فخر الدین رازی» از بزرگان اهل سنت می‌گوید:

«استفراغ الوسع في النظر فيما لا يلحقه فيه لوم»

المحصل في علم الأصول؛ اسم المؤلف: محمد بن عمر بن الحسين الرازي الوفاة: ٦٠٦، دار النشر: جامعة الإمام

محمد بن سعود الإسلامية - الرياض - ١٤٠٠، الطبعة: الأولى، تحقيق: طه جابر فياض العلواني، ج ٦، ص ٧

یعنی انسان به قدری بگردد که مطلبی پیدا نکند و خودش را ملامت نکند که چرا کم گشتم؟! یعنی تا آن اندازه‌ای که امکان پذیر است باید بگردد. به تعبیر امام (رضوان الله تعالی علیه):

«فيجوز لمن استفراغ الوسع في تحصيل الأحكام الشرعية من طرقها المألوفة لدى أصحاب الفن ، أو بذل

جهد في تحصيل ما هو العذر بينه وبين ربه»

فقیه و یک محقق برای به دست آوردن یک حکم شرعی به قدری باید مصادر تشریح را بگردد که بین

خودش و بین خدای عالم معذور باشد!

تهذيب الأصول - تقرير بحث السيد الخميني؛ للسبحاني؛ ج ۳ ص ۱۳۸

«غزالی» تعبیرش این است که:

«والاجتهاد التام أن يبذل الوسع في الطلب بحيث يحس من نفسه بالعجز عن مزيد طلب»

یعنی احساس کند واقعاً بیش‌تر از این عاجز باشد دیگر بیش از این امکان پذیر نبوده!

المستصفي في علم الأصول؛ اسم المؤلف: محمد بن محمد الغزالي أبو حامد الوفاة: ۵۰۵، دار النشر: دار الكتب

العلمية - بيروت - ۱۴۱۳، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عبد السلام عبد الشافي، ج ۱، ص ۳۴۲

آقای «خوی» دارد:

«تحصيل الحجة على الحكم الشرعي»

کتاب الاجتهاد والتقليد - السيد الخوئي - ص ۱۷

فردای قیامت، انسان حجت داشته باشد که من اگر این نظر را دادم، تمام مصادر تشریح را گشتم. آیا واقعاً من یک کتابی که قرن ۹ و ۱۰ و ۱۲ نوشته شده این را برای فتوا و کار علمی‌ام ملاک قرار بدهم، آیا فردای قیامت ما حجت داریم؟ آیا عذر «بیننا و بین ربنا» برداشته شده؟ آیا در این ملامتی نیست؟ تأسف نمی‌خورد؟ به گردن تاییبست نمی‌اندازیم که تاییبست‌ها این کار را کردند!

همه این‌ها نشان می‌دهد بر این که ما باید در کارهای علمی‌مان به قدری بحث را جلو ببریم که هیچ گونه عذری بین خودمان و خدای خودمان نداشته باشیم.

تعبیری که از کتاب «کمال الدین» عرض کردم در حقیقت یک تعبیر جامع است. ما دو تا روایت جامع داریم که امیرالمؤمنین - فدایش بشوم - سنگ تمام گذاشته؛ یعنی «ما من رطب ولا یابس» الا اینکه امیرالمؤمنین آورده است.

یکی کتاب «کمال الدین» است که حضرت در جلسه ۲۰۰ نفره مطرح می کند؛ و یکی هم اهل سنت آوردند «مناقب ابن مردویه» در شورای ۶ نفره است. یعنی ما جامع‌تر از این دو تا روایت در نزول آیات و در امامت امیرالمؤمنین بنده جای ندیدم.

جالب است امیرالمؤمنین این‌ها را قسم می‌دهد که شما را به خدا سوگند غیر از این است؟ همه می‌گویند خیر؛ قبول داریم. شما ببینید تعبیری که حضرت دارد:

«فَأَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَبِيَّهُ أَنْ يُعَلِّمَهُمْ وُلاةَ أَمْرِهِمْ وَ أَنْ يُفَسِّرَ لَهُمْ مِنَ الْوُلاةِ مَا فَسَّرَ لَهُمْ مِنْ صَلَاتِهِمْ وَ زَكَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ حَجِّهِمْ»

حضرت چقدر زیبا استدلال می‌کند. می‌گوید: در قرآن (أَقِيمِ الصَّلَاةَ) آمده و پیغمبر صلوات را برای مردم تفسیر کرده که نماز صبح و نماز ظهر و نماز مغرب این است. «صوم» هم به همین شکل است؛ همان دستوری که خدا به پیغمبر برای شرح نماز و زکات و صوم و حج داده برای امر ولایت هم دستور داده که برای مردم تفسیر کند. در یک جای دیگر دیدم این آقای عابدینی می‌گوید مشخص نیست پیغمبر مأمور شده که چه چیزی را تفسیر کند؟ در رابطه با ولایت علی چه چیزی را تفسیر کند؟

خود رسول اکرم اشاره می‌کند: «مَا فَسَّرَ لَهُمْ مِنْ صَلَاتِهِمْ» بعد حضرت می‌فرماید:

«فَتَصَبَّنِي لِلنَّاسِ بِعَدِيرِ حُم»

پیغمبر من را نصب کرده است!

بعد به همین شکل جلوتر می‌رود:

«(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا) فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ وَ قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ بِتَمَامِ النُّعْمَةِ وَ كَمَالِ نُبُوتِي وَ... قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ بَيْنَهُمْ لَنَا قَالَ عَلِيٌّ أَخِي وَ وَزِيرِي وَ وَارِثِي وَ وَصِيِّ وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ وَلِيِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي...»

تا آیه تطهیر در این جا است:

«أَتَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَ فِي كِتَابِهِ (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا) فَجَمَعَنِي وَ فَاطِمَةَ وَ ابْنَيْ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا ثُمَّ أَلْقَى عَلَيْنَا كِسَاءً وَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ لِحْمَتِي يُؤَلِّمُنِي مَا يُؤَلِّمُهُمْ وَ يَجْرَحُنِي مَا يَجْرَحُهُمْ فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ وَ أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ أَنْتَ عَلَى خَيْرٍ إِنَّمَا أَنْزَلْتَ فِيَّ وَ فِي أَخِي عَلِيٍّ وَ فِي ابْنَيْ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ»

این جا دارد:

«وَ فِي تِسْعَةِ مِنْ وُلْدِ ابْنَيْ الْحُسَيْنِ خَاصَّةً لَيْسَ مَعَنَا فِيهَا أَحَدٌ غَيْرُنَا فَقَالُوا كُلُّهُمْ»

تمام این دو بیست نفر گفتند:

«نَشْهَدُ أَنَّ أُمَّ سَلَمَةَ حَدَّثَتْنا بِذَلِكَ فَسَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ فَحَدَّثَتْنا كَمَا حَدَّثَتْنا أُمُّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا»

کمال الدین و تمام النعمة؛ ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: اسلامیه، ج ۱، ص

۲۷۸، باب ما روي عن النبي (صلى الله عليه واله وسلم) في النص على القائم (عليه السلام) و أنه الثاني عشر من

الأئمة (عليهم السلام)، ح ۲۵

از این حدیث محکم‌تر ما داریم؟ ۲۰۰ نفر از صحابه تأیید می‌کنند و می‌گویند ما از «ام سلمه» سوال کردیم گفت،

بعد هم از پیغمبر سوال کردیم «ام سلمه» این‌طور دارد می‌گوید، رسول اکرم هم گفت: «ام سلمه» راست گفته

است. من گمان می‌کنم با توجه به این روایت، دیگر هیچ بهانه‌ای برای کسی باقی نماند. حال بعضی‌ها درد و مشکل‌شان چه است، ائمه چه هیزم تری به این‌ها فروختند که این بحث‌ها را شروع کردند نمی‌دانیم!!

«والسلام علیکم ورحمة الله»